

زمینه‌ها و عوامل توسعه روابط روسیه و حماس

الهه کولایی*

چکیده

روابط روسیه با سازمان حماس بسیار اهمیت دارد. از یک سو این سازمان در فهرست سازمان‌های تروریستی در آمریکا و اروپا قرار دارد و از سوی دیگر روابط مسکو با این گروه فلسطینی، برای هر دو طرف دارای تناقض‌های سیاسی بسیار است. حماس همواره دست‌کم به صورت کلامی از جنبش‌های اسلام‌گرا در سراسر جهان حمایت می‌کند که شامل جدایی‌طلبی چچن‌ها در شمال قفقاز هم می‌شود. همچنین پس از جنگ دوم چچن، کرملین همیشه در مورد یک توطئه جدی برای ایجاد خلافت اسلامی هشدار داده است. با این همه، با وجود مخالفت آمریکا و نیز اسرائیل که با مسکو روابطی نزدیک دارد، روابط روسیه و حماس، از زمان تأسیس تاکنون روند رو به رشدی را تجربه کرده است. بر این اساس، این پژوهش برای پاسخ به این سؤال انجام شده که چرا روسیه رابطه با حماس را مورد توجه قرار داده است؟ در پاسخ به این سؤال، با بررسی روند روابط آنها، زمینه‌ها، عوامل، اهداف و پیامدهای آن بررسی می‌شود. شواهد نشان می‌دهد روسیه تلاش دارد در چارچوب گسترش رابطه با حماس و با ایفای نقش یک عامل موازنه‌گر، با برهم زدن نظم تک قطبی مورد نظر آمریکا، جایگاه خود را به عنوان یک قدرت مؤثر بین‌المللی بهبود بخشد.

واژگان کلیدی

روسیه، خاورمیانه، خاورمیانه بزرگ، حماس، اسرائیل، آمریکا، مسلمانان، قفقاز، خارج نزدیک

Email: ekolaee@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۴/۱۸

* استاد دانشگاه تهران

تاریخ ارسال: ۹۰/۰۹/۲۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست و دوم / شماره ۶۶ / بهار ۱۳۹۲ / صص ۲۳۸-۲۱۵

مقدمه

انتخاب ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ به عنوان رئیس جمهور فدراسیون روسیه، فرازی مهم در سیاست خارجی این کشور بود، زیرا این کشور را از انزوای پر نوسان پس از فروپاشی اتحاد شوروی خارج ساخت و بار دیگر به عنوان یک بازیگر مؤثر بین‌المللی مطرح کرد. به ویژه اینکه در دور دوم ریاست جمهوری پوتین، روسیه هم‌زمان با پی گرفتن سیاست مقابله‌جویانه با امریکا، رویکرد جدیدی نسبت به خاورمیانه را گسترش بخشید. دولت پوتین در تلاشی آشکار برای افزایش مناسبات با کشورهای خاورمیانه، خواه طرفدار امریکا یا ضد امریکایی، عرب و غیرعرب گام برداشت. قابل توجه اینکه با هر دو سازمان بزرگ فلسطینی فتح و حماس و حتی حزب ا... لبنان روابط نزدیکی ایجاد کرد (Katz, 2010, p.2). در این میان روابط روسیه با حماس از آن جهت بسیار اهمیت دارد که از یکسو در امریکا و اروپا، این سازمان در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داشته و از سوی دیگر روابط مسکو با این گروه فلسطینی دارای تناقض‌های سیاسی بسیاری برای هر دو می‌باشد. حماس همیشه دست‌کم به صورت کلامی از جنبش‌های اسلام‌گرا در سراسر جهان

حمایت کرده است که شامل چچن‌ها در شمال قفقاز هم می‌شود. از سوی دیگر، کرملین همواره پس از جنگ دوم چچن نسبت به یک توطئه جدی اسلامی برای ایجاد یک خلافت اسلامی هشدار داده است (McGregor, 2006). رخدادهای تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱، برای روسیه فرصتی ایجاد کرد تا اقدام نظامی خود در چچن را برای کشورهای اسلامی آسان‌تر توجیه کند (Smith, 2002, p.10).

با این همه و با وجود مخالفت امریکا و نیز اسرائیل که با مسکو روابط نزدیکی دارد، روابط روسیه و حماس، از هنگام تأسیس تاکنون روندی رو به رشد داشته است. بدین سبب با توجه به تفاوت سطح قدرت روسیه و سازمان حماس، تفاوت در رویکرد سیاسی دو طرف در مورد مسلمانان روسیه، جبهه‌گیری گسترده قدرت‌های بین‌المللی به تبعیت از امریکا علیه حماس و رویکرد سیاست خارجی و بین‌المللی روسیه در دهه گذشته نسبت به یکجانبه‌گرایی امریکا، این سؤال پیش می‌آید که چرا مسکو با وجود همه تفاوت‌های مورد اشاره، روابط با حماس را مورد توجه قرار داده است؟

در ادبیات موجود، بیشتر به تلاش روسیه برای ایفای نقش مؤثر در خاورمیانه

تردیدآلود است و بیشتر بر اساس محاسبات اقتصادی و گاه ضد امریکایی است (Bourtman,2006).

بهادا کومار هم در آسیا تایمز در فوریه ۲۰۰۷ در مقاله "سیاست خاورمیانه‌ای جدید روسیه" می‌نویسد: ما شاهد بنای دیوار جدید برلین هستیم، با این تفاوت که این دیوار به سوی شرق در حال پیشروی است. وی می‌نویسد از میان همه مناطق جهان، این خاورمیانه است که در سال‌های اخیر بر رابطه ایالات متحده و روسیه فشار آورده و دریای سیاه، دریای خزر، قفقاز و آسیای مرکزی را به حاشیه رانده است. وی معتقد است که سیاست روسیه در خاورمیانه به صورت تاکتیکی با سیاست‌های ایالات متحده در این منطقه متفاوت است. سیمای سیاست خاورمیانه‌ای جدید روسیه با سیاست خاورمیانه‌ای اتحاد شوروی هر چند شباهت‌هایی دارد، اما متفاوت است. روسیه امروزه در این منطقه با تدبیر، زیرکی، شجاعت و سریع‌تر از گذشته عمل می‌کند. مارک اسمیت هم در مقاله "گفتگوی روسیه- حماس و انتخابات پارلمانی اسرائیلی" برای مرکز تحقیقات مطالعات کانفلیکت در سال ۲۰۰۶ می‌نویسد گفتگو و برقراری رابطه روسیه با حماس در جهت

اشاره می‌شود. ایلیا بورتمن در مقاله "پوتین و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه" در مجله مریا (بررسی امور بین‌المللی خاورمیانه) در ژوئن ۲۰۰۶ می‌نویسد: ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به طور کلی دو خط مشی سیاسی نسبت به خاورمیانه دارد که به این کشور اجازه می‌دهد علاوه بر گسترش رابطه با اسرائیل، همزمان منافع خود در رابطه با کشورهای عرب را نیز پیگیری کند. این سیاست غیر ایدئولوژیک در این مدت به روسیه اجازه داد بخشی از اقتصاد این کشور را احیا کند. بدین‌گونه روسیه به‌طور موفقیت‌آمیزی توانسته است علاوه بر امضای موافقتنامه‌های دیپلماتیک، نظامی و انرژی با اسرائیل، با کشورهای عرب نیز به‌طور جداگانه چنین موافقتنامه‌هایی را به امضاء برساند. بورتمن معتقد است برخلاف گذشته سیاست خاورمیانه‌ای روسیه غیر ایدئولوژیک است. چنانچه یکبار نیز سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در مصاحبه با روزنامه پراودا گفت سیاست روسیه نه طرفدار عرب است و نه طرفدار اسرائیل، بلکه برای حفظ منافع روسیه می‌کوشد. بنابراین روابط دوستانه نزدیک با دولت‌های عرب و اسرائیل دنبال می‌شود. بورتمن می‌نویسد روش کرملین در منطقه همراه با عملگرایی

چچن"، بیش از سایر تحلیلگران، روابط روسیه و حماس را تابع مسائل داخلی روسیه با مسلمانان این کشور ارزیابی می‌کند (McGregor, 2006).

در واقع بیشتر تحلیلگران از مثلث روابط روسیه با اسرائیل و حماس به عنوان نشانه‌ای از تحرک سیاست خاورمیانه‌ای روسیه یاد می‌کنند و روابط روسیه و حماس را در چارچوب سه هدف سیاسی ارزیابی می‌کنند:

۱. رویارویی با یکجانبه‌گرایی امریکا،
۲. دستیابی به نقشی بین‌المللی به عنوان قدرتی جهانی،
۳. تأثیرگذاری بیشتر بر مسلمانان روسیه.

از این رو فرضیه این پژوهش بدین قرار است که: به نظر می‌رسد در کنار عوامل داخلی چون مسلمانان این کشور، یک سری عوامل منطقه‌ای چون افزایش نقش و نفوذ روسیه در خاورمیانه و عوامل بین‌المللی، کسب نقش جهانی، رویارویی با یکجانبه‌گرایی امریکا از دیگر عوامل ایجاد و توسعه رابطه روسیه با حماس است، اما روسیه با توسعه روابط با حماس، نقشی را در مسئله صلح خاورمیانه ایفا می‌کند که هیچ یک از طرف‌های دیگر گروه چهارجانبه صلح نتوانسته‌اند، ایفا کنند.

تلاش روس‌ها برای ایفای نقشی بسیار متفاوت از سایر بازیگران گروه چهارجانبه صلح خاورمیانه است. روسیه می‌خواهد با تمام گروه‌های فلسطینی و نه تنها سازمان فتح رابطه خوب داشته باشد، تا بدین وسیله نقش بسیار مؤثرتری در حل و فصل مناقشه اسرائیل و فلسطین ایفاء کند (Smith, 2006).

اودد ارن، زوی مگان و شیمون استین، در مقاله مشترک "ابر قدرت‌ها و خاورمیانه؛ پیاده‌روی بر روی یک خط باریک"، همه ارکان سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، از جمله تلاش روس‌ها برای ایفای نقش در گروه چهارجانبه صلح خاورمیانه را تابع رقابت با ایالات متحده می‌دانند. آنها یادآوری می‌کنند رابطه روسیه و حماس بر مبنای این باور روس‌هاست که مسکو توافق با حماس را عامل تحقق صلح خاورمیانه می‌داند. در واقع به نظر روسیه، حماس یکی از طرف‌های اصلی مسئله فلسطین است (Eran, et al, 2011, pp.39-41). محرم ارنلر نیز در مقاله "سیاست روسیه در مورد بهار عربی"، پافشاری روس‌ها را در مسئله سوریه، در ادامه سیاست‌های روسیه در خاورمیانه از جمله برقراری رابطه با حماس می‌داند (Erenler, 2012). اندرو مک گروگر نیز در مقاله "روابط سرد؛ حماس و مجاهدین

وزارت امور خارجه و سپس نخست‌وزیری یوگنی پریماکف و پس از آن از دوره ریاست جمهوری پوتین، به وضعیت متعادل‌تری رسید که از آن به عنوان سیاست خارجی قدرتمندانه، عمل‌گرایانه، مستقل و گاه تهاجمی یاد می‌شود.^(۱) نماد بارز این سیاست سخنان، اقدام‌ها و رفتارهای سیاستمداران روسی است.

همین عامل استدلال به کاربرد نظریه موازنه قدرت برای درک سیاست خارجی روسیه کمک می‌کند. این رویکرد بیانگر برآورد سیاست‌گذاران روسیه از تهدیدآمیز بودن یکجانبه‌گرایی امریکاست (Tsygankov, 2001, p.136). روسیه در دوره پوتین دریافت که با بهره‌گیری از قدرت قابل‌اتکای منابع انرژی خود تا حدی به قدرت نسبی در برابر فشارهای غربی دست یافته و با تقویت موقعیت سیاسی خود در این زمینه می‌تواند به یک قدرت جهانی تأثیرگذار تبدیل شود. در نتیجه این احساس قدرت موجب جسارت عمل بیشتر روسیه در اولویت‌های سیاست خارجی شد که همچنان این احساس قدرت رو به افزایش است. این اجماع به تدریج در روسیه شکل گرفت که این کشور می‌تواند و باید نقش یک "قدرت بزرگ" را ایفا کند (Bremant, 2001, p.4). سیاست خارجی

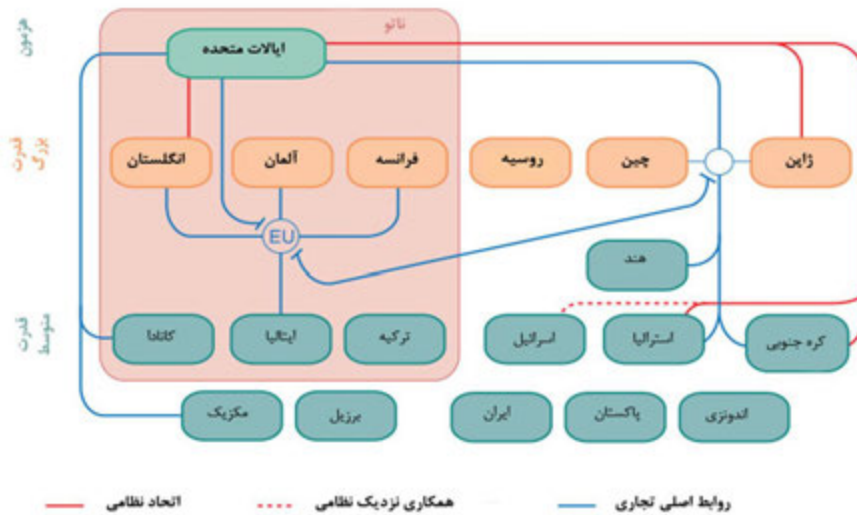
بر این اساس پس از بررسی سیاست خارجی روسیه، سیاست خاورمیانه‌ای مسکو از جنبه تلاش‌های موازنه‌گرایانه، ارزیابی شده، زمینه‌ها، عوامل و اهداف روسیه از ایجاد روابط با حماس تبیین و تحلیل می‌شود. در پایان هم جمع‌بندی و نتیجه ارائه می‌شود.

۱. چارچوب مفهومی سیاست خارجی روسیه

در بررسی سیاست خارجی روسیه بیشتر از چارچوب‌های مفهومی واقع‌گرایی تهاجمی با توجه به تأثیر متغیرهای سیستمی، از واقع‌گرایی با تأکید بر درک و نقش رهبران روسیه، از واقع‌گرایی نوکلاسیک با توجه به ارتباط متغیرهای سیستمی و رفتار سیاست خارجی رهبران و همچنین سازه‌نگاری با توجه به تأثیر عناصر هویتی بر سیاست خارجی این کشور استفاده می‌شود. یکی از مؤلفه‌های مشترک در چارچوب‌بندی‌های عناصر سیاست خارجی روسیه، تلاش‌های روسیه برای مبارزه با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده است (Radivilova, 2003). سیاست خارجی روسیه پس از یک دوره بی‌ثباتی و درگیری با مسایل و دشواری‌های مختلف در نیمه اول دهه ۱۹۹۰، در نیمه دوم این دهه و از دوره

برآورد شده و یکی از اولویت‌های اصلی روسیه، مخالفت با نظام تک‌قطبی و تلاش برای ایجاد یک نظام چندقطبی اعلام شده است. بدین سبب اولویت‌های منطقه‌ای روسیه از تمرکز بر حوزه‌های نزدیک به مناطق دیگر نیز گسترش یافته است. البته دلیل دیگر این تلاش را باید در افزایش قدرت سایر بازیگران جست‌وجو کرد. به بیان کنت والتز تلاش‌ها برای موازنه قوا زمانی شکل می‌گیرد که واحدهای بسیاری برای بقا به تکاپو بپردازند (Waltz, 1979, p.121). همان‌گونه که شکل زیر نشان می‌دهد، می‌توان ادعا کرد در حال حاضر چنین فضایی وجود دارد (Realist Theories, 2011, p.54)

روسیه در دوره دمیتری مدودیف نیز شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد که با وجود توافق با امریکا برای شروع دوباره^۱ در روابط دو کشور، در عرصه جنگ ناتو علیه لیبی و پشتیبانی غرب از اعتراض‌های گسترده در سوریه نمایان می‌شود و بر همه تردیدها در مورد تغییر لیبرال دموکراتیک سیاست خارجی روسیه در دوره مدودیف، خط بطلان می‌کشد.^(۲) در واقع مسکو که پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در بسیاری زمینه‌ها با موضع‌گیری‌های منفعلانه تسلیم پیش‌روی‌های غرب شده بود، بر اساس اسناد سیاست خارجی روسیه مصوب ژوئیه ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸، یکجانبه‌گرایی ایالات متحده امریکا یک چالش بین‌المللی



۲. افزایش اولویت‌ها و گستره روابط منطقه‌ای

یکی از شاخص‌های سیاست خارجی موازنه‌گرای روسیه، افزایش اولویت‌ها و گستره روابط منطقه‌ای است. از سال ۲۰۰۰ در همه اسناد سیاست خارجی روسیه، اولویت‌های مسکو در حوزه کشورهای مستقل همسود افزایش یافته است. این رویکرد از یک سو ناشی از نگرانی‌های روسیه و از سوی دیگر نشان رویکرد افزایش قدرت مسکو است. مسائلی مانند حضور و ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی در همسایگی روسیه، کاهش نفوذ و تأثیرگذاری جهانی مسکو در سطوح سیاسی، اقتصادی و نظامی پس از فروپاشی شوروی، توسعه ناتو به سوی شرق و تضعیف موقعیت روسیه در جامعه کشورهای مستقل همسود و در واقع تمایل کشورهای عضو این اتحادیه به پیوستن به ناتو، از جمله مسائلی هستند که اسباب نگرانی روسیه را فراهم کرده و به اولویت خاورمیانه در سیاست خارجی این کشور منجر شده‌اند.

همچنین در این دوره، با افزایش توجه مسکو به سایر مناطق جهان، آفریقا نیز در کانون توجه دولت روسیه قرار گرفت، به ویژه که در این شمال این قاره، برخی کشورها مانند الجزایر، مراکش و لیبی در شمار

مشتریان تسلیحات نظامی روسیه هستند. بدین سبب حتی افزون بر تلاش برای سرمایه‌گذاری مسکو در این منطقه، برای ایجاد روابط حسنه با کشورهای آفریقایی، کمک‌هایی نیز به کشورهای فقیر این منطقه ارائه شده است. دو دلیل مهم را نیز می‌توان عامل افزایش توجه روسیه به خاورمیانه و شمال آفریقا دانست. اول اینکه بخش بزرگی از خاک این کشور (بیش از ۶۰ درصد) در آسیا قرار دارد. دیگر اینکه روسیه همچوار قدرت‌های اقتصادی جهان مانند ژاپن، چین و هند است که در آسیا قرار دارند. این کشورها از سال ۲۰۰۰ وارد مرحله جهش اقتصادی شده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد که در آینده نزدیک به محورهای اصلی سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه جهان تبدیل می‌شوند. بنابراین مسکو نمی‌تواند نسبت به این حوزه بی‌توجه باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹).

از سوی دیگر سیاست دوگانه روسیه در خاورمیانه، از روابط با طرف‌های درگیر در منازعه خاورمیانه از اسرائیل تا سوریه، لبنان و حتی حماس و حزب‌الله، تا روابط روسیه و دیگر کشورهای عرب و همچنین استراتژی پیچیده روسیه در برابر مسئله هسته‌ای ایران، و رویکرد اقتصادی و امنیتی کرملین به روابط

روسیه و ترکیه و همین‌طور مسئله پاکستان و افغانستان، موجب شد که برخی از کارشناسان مسایل روسیه از تعبیر "سیاست خاورمیانه بزرگ روسیه" برای توصیف این سیاست استفاده کند^(۳) (Katz, 2010, p.6). در این میان با وجود برخی اتهام‌های غرب به روسیه، در مورد تعطیلی پایگاه هوایی ماناس آمریکا در قرقیزستان و نیز تجهیز طالبان توسط مسکو، با افزایش فعالیت طالبان در افغانستان و پاکستان، روسیه همکاری خود با آمریکا و ناتو در این زمینه را افزایش داده است. در موضوع ایران نیز روسیه مانند گذشته ضمن همراهی با آمریکا در صدور قطعنامه شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران و حتی سخنان تند مقام‌های کرمین علیه تهران، با برخی رفتارها از جمله قراردادهای انرژی تلاش می‌کند مانع تیرگی روابط دو کشور شود (شوری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵). از دیدگاه تحلیلگران امریکایی، همکاری هسته‌ای روسیه با ایران، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های روابط دو کشور را ایجاد کرده است (Kemp and Saunders, 2003, p.5).

۳. تحرک خاورمیانه‌ای روسیه

خاورمیانه همچنان در سیاست خارجی روسیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس

از موج دوم "مردم‌سالارسازی امریکایی"^(۴)، که در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی از گرجستان تا اوکراین و قرقیزستان ادامه یافت^(۵)، خاورمیانه با موج سوم مردم‌سالارسازی روبه‌رو شده است. در این موج که روند جهانی‌شدن بر آن بسیار تأثیرگذار بوده است، خاورمیانه به عرصه "انقلاب‌های شبکه‌ای"^۲ تبدیل شده است. نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در این تحولات بسیار قابل توجه بوده است (Stengy, 2012, p.23). از دیدگاه رهبران روسیه با در نظر گرفتن دگرگونی‌های گسترده در جهان و در خاورمیانه به ویژه، آمریکا در تلاش است تا از امواج مردم‌سالارسازی برای بازسازی و تحکیم جایگاه خود بهره‌برداری کند. از این جهت سیاست‌های آمریکا و اروپا در برابر "بهار عربی" در ادامه طرح‌های خاورمیانه بزرگ ارزیابی می‌شود (Stengy, 2012, p.27). این طرح‌ها پس از رخدادهای تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱ از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی برای ایجاد دگرگونی‌های عمیق و بنیادین در کشورهای اسلامی در منطقه خاورمیانه بزرگ ارائه شده بود.

در تحلیل عوامل پویایی سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه، نگرش‌های

یک سو برای حل و فصل مسایل داخلی مسلمانان این کشور، نیازمند ارتباط مناسب با کشورهای اسلامی است (هانتز، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، برای جلوگیری از گسترش بنیادگرایی اسلامی به روسیه و مناطق پیرامونی خود، نیازمند پرهیز از تنش با جهان اسلام است.

مشکلات سیاسی - اقتصادی روسیه در سال‌های اولیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی که با درون‌گرایی این کشور تداوم یافت، رهبران روسیه را به پذیرش این واقعیت سوق داد که مدیریت عرصه خارجی به حل مسائل داخلی نیز کمک می‌رساند. بنابراین با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین دوره جدیدی در سیاست خارجی روسیه آغاز شد. اولین پیامد غیرقابل اجتناب وضعیت جدید، تمرکز روسیه بر اولویت‌های قابل دسترسی قدرت و نفوذ واقعی با توجه به معیارهای عملی و عینی مانند اقتصاد بود. مهم‌ترین تصمیم پوتین برای حل مشکلات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، صرف هزینه و تمرکز بر دو حوزه صنعت نظامی و انرژی بود. پوتین دریافت که از راه سرمایه‌گذاری در این دو حوزه می‌تواند با هزینه کمتر ضمن حل مشکلات اقتصادی و نیز سیاسی در داخل، بار دیگر جایگاه اقتصادی و سپس سیاسی از دست رفته

متفاوتی وجود دارد که می‌توان آنها را در قالب دو رهیافت امنیتی و سیاسی تحلیل کرد. همچنین با در نظر گرفتن وجوه اشتراک رویکردهای داخلی و خارجی، اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی، در نگاهی دقیق‌تر علل فعال‌تر شدن سیاست خاورمیانه‌ای این کشور را در چهار گزینه: رویارویی با یکجانبه‌گرایی امریکا؛ دستیابی به نقش بین‌المللی به عنوان قدرت جهانی؛ توسعه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه و ایجاد و گسترش بازار خاورمیانه‌ای برای روسیه؛ و در نهایت تأثیرگذاری بیشتر بر مسلمانان روسیه، خلاصه کرد. در تحلیل مسائل داخلی روسیه و فصل مشترک آن با مسائل خاورمیانه، موضوع مسلمانان این کشور مطرح می‌شود. بی‌تردید رویکرد ملی و منطقه‌ای روسیه به جهان اسلام سیاسی - امنیتی است. می‌توان ادعا کرد روسیه بر اساس تجربه سال‌ها جنگ داخلی با مسلمانان و نتایج برخورد امریکا با اسلام سیاسی در خاورمیانه، به این نتیجه رسیده است که امنیت آن در گروی صلح و ثبات در مناطق مسلمان‌نشین جهان به ویژه خاورمیانه است. بنابر این با توجه به پیوندهای گوناگون آن با این منطقه، هرگونه اختلال در امنیت این مناطق، امنیت روسیه را هم به خطر می‌اندازد. در واقع روسیه از

روسیه را در عرصه جهانی باز یابد. از این رو نگاه روسیه به مناطق پیرامونی خود، یعنی آسیای مرکزی و خاورمیانه، گذشته از جنبه سیاسی-امنیتی، جنبه اقتصادی نیز دارد. براساس نقطه نظرهای رهبران روسیه، این منطقه برای آنان از اولویت ویژه‌ای برخوردار بوده است (Kemp and Saunders, 2003, p.25).

بر اساس رفتارهای شکل‌گرفته روسیه در این منطقه، می‌توان مسایل خاورمیانه را برای این کشور در سه حوزه خارج نزدیک شامل آسیای مرکزی و قفقاز، ایران و افغانستان و ترکیه (منطقه میانی) و کشورهای عربی، جنوب خلیج فارس و شمال افریقا (منطقه بیرونی) مورد تحلیل قرار داد. پس از اندک زمانی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه جمهوری‌های پیشین عضو اتحاد را از کانون علایق خود خارج کرده بود، با جنگ تاجیکستان و پیامدهای گوناگون منطقه‌ای آن، این رویکرد به گونه‌ای اساسی تغییر کرد. حضور نظامی امریکا در افغانستان و گسترش بنیادگرایی رادیکال از این کشور در سراسر آسیای مرکزی و قفقاز و نیز همکاری هسته‌ای با ایران و روابط گسترده اقتصادی با ترکیه این کشورها را هم به کانون توجه روسیه برگرداند. در مورد

کشورهای عربی نیز روندی از گسترش روابط از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت که به ویژه در دوره ریاست جمهوری پوتین ارتقاء بیشتری یافت. هر اندازه که بر شکاف میان روسیه و امریکا افزوده شد، منطقه خاورمیانه بزرگ هم از اهمیت بیشتری برخوردار شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد از سال ۱۹۹۱، خاورمیانه واردکننده حدود ۵ تا ۷ درصد مجموع صادرات روسیه به جهان و ۱۵ تا ۲۰ درصد صادرات نظامی این کشور بوده است (Rivlin, 2005) که نسبت به صادرات روسیه به دیگر مناطق جهان، بیانگر اهمیت اقتصادی بازارهای خاورمیانه برای این کشور است. از سوی دیگر با توجه به وابستگی روسیه به بازار انرژی جهانی، که در ارتباط متقابل با خاورمیانه است، اهمیت اقتصادی این منطقه برای روسیه بسیار بیشتر روشن می‌شود. به همین دلیل مسکو علاوه بر رابطه‌ای رو به گسترش با اسرائیل، هم‌زمان در تلاش است با متحدین سنتی ایالات متحده در منطقه نیز پیوندهای سیاسی-اقتصادی ایجاد کند. البته وجود ذخایر فراوان انرژی در خاورمیانه برای روسیه، از نظر نیاز به انرژی این منطقه دارای اهمیت نیست، اما تأثیر بر تولید و توزیع انرژی خاورمیانه، که کشورهای صنعتی غرب و شرق جهان، به آن

مسایل داخلی سوریه ایستادگی می کند. علاوه بر این، با وجود عقب ماندگی تکنولوژیکی، روس ها معتقدند این کشور همه عوامل را برای احیای دوباره و تبدیل شدن به یک قدرت جهانی بزرگ شدن در قرن ۲۱ دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از: جمعیت، وسعت سرزمین، موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک، بهره مندی از موقعیت هارتلند، توانایی اتمی و نظامی، گرایش مردم سالار و تحول گرا، انرژی فراوان، علایق سنتی برخی کشورهای جهان به ویژه آسیای مرکزی و خاورمیانه به تثبیت و گسترش روابط با آن و احیای اقتصادی کشور. بنابراین از دیدگاه رهبران روسیه همین عوامل برای پیگیری و اجرای سیاست موازنه گرایانه کفایت می کند.

در تحلیل این متغیر و همچنین انگیزه رقابت روسیه با یک جانبه گرایی امریکا- مفروض این پژوهش این است که شاخص های موجود در سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، نتیجه تجربه واقع گرایانه روسیه از تحولات سیاست بین الملل پس از اتحاد شوروی است. عوامل بسیار به ویژه شرایط نظام بین الملل، مشکلات اقتصادی این کشور، نبود توانایی های لازم برای رقابت با رقبای دیرین و همچنین ظهور رقبای تسلیحاتی در منطقه مانند چین- هند-

وابسته هستند، برای حفظ قدرت روسیه در کنترل بازار جهانی بسیار اهمیت دارد. لازم به یادآوری است که خاورمیانه به عنوان بازار سنتی تسلیحات روسی و همچنین گسترش بازار هسته ای روسیه نیز در محاسبه های اقتصادی مسکو اهمیت زیادی دارد. در میان این کشورها، ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. در پی تیرگی روزافزون روابط ایران با امریکا و اروپا، روسیه روابط اقتصادی و تجاری خود را با ایران گسترش داده است. تجارت دو کشور از ۲۷۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۳۷۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۸ رسید (Katz, 2010, p.116).

البته مخالفت های امریکا و شریک های جدید روسیه، مسکو را از توسعه روابط با برخی کشورهای منطقه مانند ایران و سوریه باز نداشته است. بنابراین نگاه روسیه به خاورمیانه، از دیدگاهی متفاوت با امریکا قابل توجه است. روس ها برخی کشورهای مهم و حساس خاورمیانه از جمله ایران و عراق را برای حفظ توازن قدرت و در نتیجه امکان رقابت در صحنه جهانی در استراتژی سیاست خارجی خود مورد نظر قرار داده اند، اما در مسئله سوریه با توجه به پایگاه نظامی این کشور در طرطوس، روسیه به طور جدی در مقابل هرگونه اقدام مداخله جویانه غرب در

پاکستان موجب شده است که روسیه از آرمان‌گرایی در این منطقه نیز بپرهیزد و انعطاف‌پذیری بیشتر به‌ویژه از نگاه ژئوپلیتیکی به منطقه خاورمیانه داشته باشد. (Eran, et al, 2011, p.38)

به این ترتیب رویکرد روسیه به خاورمیانه در مقابله با یکجانبه‌گرایی امریکا و کسب جایگاه بین‌المللی یک رویکرد نرم است که در درون آن هدف‌های دیگری پیگیری می‌شود.

ادامه بحران عراق و افغانستان و درگیری امریکا در آنها و پیروزی جنبش‌های اجتماعی در کشورهایی که روابط خوبی با امریکا داشتند، فرصت مناسبی ایجاد کرد تا روسیه برای پرکردن جای امریکا در کشورهای منطقه فعال شود. خاورمیانه بازار مناسبی برای تسلیحات و تولید روسی- از جمله نیروگاه‌های هسته‌ای- به شمار می‌آید. با توجه به منابع انرژی خاورمیانه، نفوذ روسیه در این منطقه موجب می‌شود سیاست‌های انرژی روسیه، بر سیاست‌های انرژی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه تأثیر گذارد. به این ترتیب روسیه می‌تواند بدون عضویت در اوپک، از مزایای تنظیم بازار اوپک نیز بهره‌برد. افزایش نفوذ روسیه در خاورمیانه می‌تواند تا حدودی کاهش نفوذ روسیه در دیگر مناطق مانند شرق اروپا را جبران سازد. البته برخی تحلیلگران هم

با نگاهی گذرا به سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه در دهه اخیر و به ویژه رخدادهای متعدد در این منطقه، روشن می‌شود روسیه که تا حد زیادی از صحنه سیاسی خاورمیانه خارج شده بود، تلاش کرده بار دیگر وارد جریان‌های اصلی سیاسی منطقه شود. پوتین در دوره اول ریاست جمهوری خود، در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ دو دیدار از این منطقه داشت. او در سال ۲۰۰۵ از تهران نیز دیدار داشت، که پس از سفر استالین به تهران، اولین سفر ریاست جمهوری روسیه به ایران بود. تاکنون صحنه سیاسی که روسیه در آن حضور پررنگ داشته، موضوع هسته‌ای ایران بوده است، اما اینک روسیه در تحولات سوریه سرسختانه حضور دارد. روسیه ایفای نقش در تحرک‌های دیپلماتیک در خاورمیانه را به طور جدی مورد توجه قرار داده است (Eran, et al, 2011, p.39). روسیه مشوق آشتی ملی حماس و فتح بوده و روابط خود با حماس را برای کشاندن طرف فلسطینی به گفت‌وگو گسترش داده است. مسکو از حامیان به

رسمیت شناخته شدن فلسطین در سازمان ملل هم بوده است (Eran, et al, 2011, pp.40-41). دلایل فعال تر شدن سیاست خاورمیانه‌ای روسیه بر اساس عوامل جهانی، منطقه‌ای و داخلی قابل تحلیل است که پیگیری نوعی سیاست موازنه‌گرا را نشان می‌دهد. الگوی رفتاری روسیه در این منطقه ایجاد همکاری برای رقابت بوده است.

۴. مسئله فلسطین و حماس

در برخی تحلیل‌ها در مورد تحول در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، برقراری روابط مسکو و حماس به عنوان یکی از نمادهای تحول مطرح می‌شود (Erenler, 2012, p.171). اهمیت سیاست روسیه در برابر حماس به چند دلیل است: اول اینکه در گذشته، روابط روسیه با فلسطین، بر روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین (فتح) استوار شده بود. دیگر آنکه، روابط رسمی روسیه و حماس نشان‌دهنده تفاوت آشکار سیاست این کشور نسبت به سیاست امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل در خاورمیانه است. از این رو این سؤال مطرح است که چرا روسیه، سیاستی متفاوت با سایر قدرت‌های بین‌المللی دنبال کرده است؟ اهداف سیاست روسیه در مورد حماس چیست؟ استدلال قابل توجه روس‌ها در زمینه برقراری روابط

رسمی با حماس، به انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ در فلسطین باز می‌گردد؛ زمانی که حماس برای نخستین بار در این انتخابات شرکت کرد و با به دست آوردن ۴۴.۴۵ درصد رأی به فهرست انتخاباتی خود و ۴۱.۷۳ درصد به نامزدهای حوزه‌های انتخابیه، با به دست آوردن ۷۴ کرسی حزب حاکم مجلس شد. جنبش فتح با ۴۱.۴۳ درصد رأی به فهرست انتخاباتی و ۳۶.۹۶ درصد در حوزه‌های انتخابیه اکثریت پیشین را از دست داد. در نتیجه دولت روسیه در ابتکاری، رهبران حماس را به مسکو دعوت کرد. این خبر موجب خشم و تعجب بسیاری از جمله رهبران اسرائیل شد که در اولین واکنش، سفر تزیبی لیونی، وزیر امور خارجه اسرائیل به مسکو که قرار بود در مارس همان سال انجام شود، لغو شد (Smith, 2006, p.2).

اما مسکو در پاسخ به انتقادات اعلام کرد این یک واقعیت است که در حال حاضر حماس قدرت را در دست دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. برای روسیه موقعیت مردمی حماس بسیار قابل توجه بوده است، هرچند مسکو ترجیح می‌دهد روابط خود را بیشتر با سازمان فتح و محمود عباس گسترش بخشد (Trenin, 2010, p.9). با قطع کمک اتحادیه اروپا و ایالات متحده به دولت حماس در

فلسطین، پوتین با حمایت از روند دموکراتیکی که حماس به قدرت رسیده، اعلام کرد از هیچ تلاشی برای کمک به فلسطین حمایت نمی‌کند و نسبت به پیامدهای این اقدام هشدار می‌دهد (RFI 2006). در فوریه ۲۰۰۶، سرگئی ایوانف، وزیر دفاع اظهار داشت که دیر یا زود جامعه جهانی هم باید برای برقراری تماس با جنبش حماس قدم بردارد. آناتولی سافونوف، رئیس نمایندگی روسیه در همکاری بین‌المللی مقابله با جرایم سازمان‌یافته نیز در این باره اعلام کرد "منزوی ساختن جنبش حماس، از سوی اسرائیل و تعدادی از کشورهای غربی بی‌فایده بوده است. نمایندگان جنبش حماس، موفق به کسب اعتماد مردم شده‌اند و به یک نیروی سیاسی تبدیل شده‌اند، بنابراین به جای بستن درها بر روی آنها، صحبت کردن، کمک و تشویق مسیر مناسبی است که مورد نیاز همه است (Interfax News Agency, 2006). سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز در همایش مطبوعاتی با دبیر کل حماس اظهار داشت: ما به روشنی مواضع گروه چهارجانبه را به حماس منتقل می‌کنیم (Official Site of the Ministry Foreign Affairs of The Russian Federation, 2006). به گفته الکساندر

سالتانوف، معاون وزیر امور خارجه و نماینده رییس جمهوری روسیه در امور خاورمیانه، طرف‌های مذاکره موضوع فلسطین سه گزینه را برای تأثیرگذاری بر حماس پیشنهاد کرده بودند که گزینه نخست به کارگیری نیروی نظامی علیه این جنبش بود که رخدادهای غزه بی‌نتیجه بودن این شیوه را به اثبات رساند. گزینه دوم نادیده گرفتن حماس بود که این رویکرد نیز بی‌تأثیر بوده است. نماینده رییس جمهوری روسیه در امور خاورمیانه، گزینه سوم را متقاعد کردن سران جنبش حماس از راه گفت‌وگو برای اتخاذ موضع سازنده و در مرحله اول در مسئله وحدت فلسطین عنوان کرد (Official Site of The Ministry Foreign Affairs of the Russian Federation, 2009). در دیدار سران روسیه و ترکیه، دمیتری مدودیف و عبدالله گل در ۱۳ مه ۲۰۱۰ هر دو طرف بر ضرورت دیده شدن نقش و جایگاه حماس در گفت‌وگوهای صلح تأکید کردند (Iran Daily, 2010, p.9).

۵. روند تحولات در روابط

با وجود آنکه سیاست روابط رسمی با حماس به ولادیمیر پوتین ارتباط داده شده است، اما در اواخر دوره اول ریاست جمهوری وی در سال ۲۰۰۷، وزارت امور خارجه

کمیت‌ه چهارجانبه بود: نفی خشونت، چشم‌پوشی از هدف نابودی اسرائیل و پذیرش قراردادهای صلح پیشین (دهقانی، ۱۳۸۵، ص ۹۷). به گفته خالد مشعل، روسیه در این گفت‌وگوها از حماس خواسته بود؛ با کنار گذاشتن مبارزه نظامی و به رسمیت شناختن اسرائیل وارد گفت‌وگوهای بین‌المللی صلح شود. حماس نیز این درخواست روسیه را منوط به پرهیز اسرائیل از اعمال خشونت کرد (BBC, 2010).

۶. روابط روسیه با اسرائیل

هرچند روسیه در شکل‌گیری دولت اسرائیل نقشی تأثیرگذار داشت، ولی به زودی الگوهای دوره جنگ سرد، امریکا و اسرائیل را در برابر اتحاد شوروی و متحدان عربی آن قرار داد. با اجرای سیاست اصلاحات گورباچف این روند به گونه‌ای مشهود دگرگون شد. مهاجرت گسترده و پایدار یهودیان از اتحاد شوروی سبب افزایش روس تبارها در ترکیب جمعیتی اسرائیل شد، به گونه‌ای که امروزه در حدود ۲۰ درصد جمعیت آن را روس‌ها تشکیل داده‌اند. گسترش پایدار روابط دو کشور سبب شد نظام روادید در میان آنها از سال ۲۰۰۸ برداشته شود (Trenin, 2010, p.8). بسیاری از این مهاجران روابط گوناگون اقتصادی

روسیه با رد تعلیق روابط مسکو و حماس بر وجود روابط منظم بین دو طرف تأکید کرد (Official Site of the Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2009) از این رو سفر مدودیف به فلسطین و تأکید دوباره او بر ضرورت تشکیل دولت مستقل فلسطینی، تلاشی از سوی روسیه برای نشان دادن مواضع مستقل آن در خاورمیانه و ایجاد تحرکی جدید در صلح عربی-اسرائیلی بود. با این حال، اقدام رئیس‌جمهوری روسیه، خشم تل‌آویو از کرم‌لین را به دنبال داشت که سفر برنامه‌ریزی شده مدودیف به اسرائیل را لغو و حتی رسانه‌های اسرائیلی سخنان او در حمایت از فلسطین را «سیلی به اسرائیل» تعبیر کردند. دمیتری مدودیف، رئیس‌جمهور وقت روسیه در این سفر در شهر اریحا بر مواضع روسیه در مورد شناسایی دولت مستقل فلسطینی در مرزهای سال ۱۹۶۷ تأکید کرد (یاکوینا، ۱۳۸۹).

از سال ۲۰۰۹ همزمان با تلاش کشورهای عربی برای آشتی ملی در فلسطین، روس‌ها گفت‌وگو در این مورد با حماس آغاز کردند (Al Jazeera, 2009). رهبران روسیه سه درخواست از حماس داشتند که در چارچوب مطالبات نقشه راه

میان روسیه و اسرائیل را موجودیت بخشیده‌اند (کولایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲). هرچند مسکو در مسیر توسعه روابط با کشورهای عربی و سازمان‌های تلاش زیادی انجام داده، ولی با توجه به مسایل جدایی‌طلبان چچن و آسیب‌های مادی و معنوی آن، با اسرائیل هم نزدیکی زیادی داشته است. به هر حال روسیه یکی از بازیگران مهم در روند گفت‌وگوهای صلح خاورمیانه به شمار می‌آید.

در دوره پوتین که سیاست خارجی او بسیار عمل‌گرایانه برآورد شده بود، برای توسعه روابط با اسرائیل تلاش زیادی صورت گرفت. او به گسترش روابط اقتصادی و استراتژیک دو کشور توجه ویژه داشت و در اواخر آوریل ۲۰۰۳ به اعضای هیئت اسرائیلی در مسکو گفت ما همه شرایط لازم و از همه مهم‌تر اراده لازم برای دوستی، همکاری، اعتماد و توسعه روابط همه‌جانبه را داریم (Bourtman, 2006, p.2). روابط اقتصادی دو کشور در این دوره بسیار افزایش یافت. در این دوره وابستگی اسرائیل به منابع انرژی روسیه بیشتر شد. بر اساس توافق رییس گازپروم و نخست‌وزیر اسرائیل قرار شد تا سال ۲۰۲۵، سهم روسیه در تأمین انرژی مورد نیاز اسرائیل به ۲۵ درصد برسد (Bourtman, 2006, p.3). همکاری سیاسی

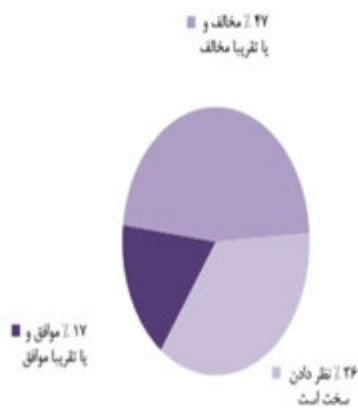
در حوزه مبارزه با تروریسم از علایق مشترک دو کشور بود. با شدت یافتن اقدام‌های تروریستی در روسیه، مقام‌های اسرائیلی کوشیدند چچن‌ها را مانند فلسطینی‌ها معرفی کنند و زمینه را برای اقدام‌های مشترک دو کشور فراهم سازند. به این ترتیب دیدار رهبران حماس از مسکو، با اینکه با اعتراض شدیدی از سوی مقام‌های اسرائیلی رو به رو شد، ولی نمی‌توانست زمینه‌های مختلف موجد همکاری روسیه و اسرائیل را از میان ببرد. هرچند روسیه همواره کوشیده همکاری هسته‌ای با ایران را در چارچوب مسایل فنی و اقتصادی تحلیل کند، ولی برای رهبران اسرائیل ماهیت آن در اصل سیاسی برآورد شده است. البته مقام‌های روسیه همواره بر پایبندی ایران به مقررات آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تأکید کرده‌اند. روسیه در کنار قدرت‌های بزرگ جهانی در چارچوب گفت‌وگوهای ۱+۵ در جهت اعتمادسازی بین‌المللی در این زمینه فعالیت داشته، اما این تلاش‌ها با اقناع رهبران اسرائیل همراه نشده است.

۷. اهداف روسیه در ایجاد و

توسعه روابط با حماس

روابط روسیه و حماس در دوره دوم اولین دوره ریاست جمهوری پوتین ایجاد شد. در سال ۲۰۰۶ پیروزی حماس در

روس می‌دانستند روابط روسیه و حماس برای آنان بازتاب داخلی نیز دارد و تندروهای اسلام‌گرا را متقاعد می‌کند که دولت روسیه از جنبش‌های اسلامی در جهان حمایت می‌کند (McGregor, 2006). رهبران حماس نیز در سفر به مسکو، با شورای مفتیان روسیه (هانتر، ۱۳۹۱) دیدار و اعلام کردند یکی از برنامه‌های اصلی گروه حماس در سفر به روسیه همواره دیدار با این شورا است (The Global Muslim Brotherhood Daily Report, 2010). نتایج نظرسنجی در روسیه در مورد جنگ اسرائیل علیه غزه در پاسخ به این سؤال که: آیا شما با عملیات نظامی اسرائیل علیه سازمان حماس در منطقه غزه موافق هستید، به صورت زیر بود (Russian Analytical Digest, 2010, p.14)



انتخابات پارلمانی فلسطین که بسیار با اهداف ایالات متحده در منطقه فاصله داشت، این فرصت را برای روسیه فراهم کرد تا از این رویداد برای گفت‌وگو با حماس استفاده کند؛ به‌ویژه آنکه فلسطینی‌ها حماس را به عنوان نماینده مشروع خود را معرفی کرده بودند. روسیه ملاحظات زیر را در این روابط دنبال می‌کرد:

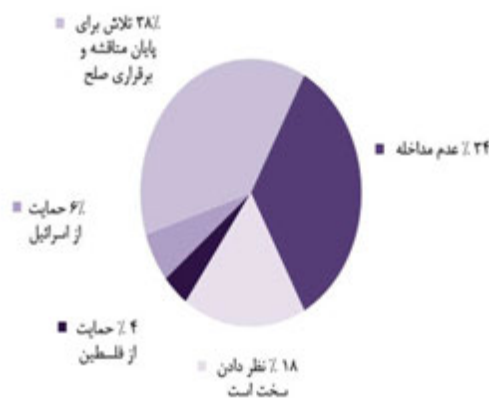
- گفت‌وگو با حماس که از نظر سیاست‌های ایالات متحده سازمان تروریستی محسوب می‌شود، وسیله‌ای برای بهره‌گیری در چانه‌زنی با امریکاست. پوتین هنگامی که در همایش مطبوعاتی به روابط روسیه و حماس رسمیت می‌بخشید، به روشنی پیروزی حماس در انتخابات فلسطین را ضربه‌ای سنگین برای دیپلماسی امریکا در خاورمیانه توصیف کرد (EJ Press, 2006).

- رابطه با نماینده فلسطین می‌تواند به افزایش نفوذ روسیه در میان کشورهای عربی کمک کند.

- در مقایسه با ایالات متحده و اتحادیه اروپا، روسیه با ایجاد روابط با حماس می‌تواند نقش موثرتر و پررنگ‌تری در میانجی‌گری میان اعراب و اسرائیل ایفا کند.

- یکی دیگر از اهداف روسیه بی‌اهمیت جلوه دادن مسئله چچن در نگاه بین‌المللی بود (Freedman, 2007, p.21). مقام‌های

نتایج نظرسنجی دیگری در مورد این سؤال که آیا روسیه در مناقشه اسرائیل و فلسطین باید چه موضعی داشته باشد؟ به صورت زیر بود (Russian Analytical Digest, 2010, p.13)



۸. پیامدهای گسترش روابط

در حالی که ایالات متحده و اتحادیه اروپا پس از سال‌ها در حل مسئله فلسطین دچار ناامیدی شده‌اند، به نظر می‌رسد انگیزه روسیه افزایش یافته است. در حالی که به گفته رهبران حماس، این سازمان از روسیه درخواست خروج از مذاکرات چهارجانبه را داشته، اما روس‌ها با حفظ جایگاه خود در گروه چهارجانبه در مسئله آشتی ملی فلسطین و کاهش خشونت‌ها در فلسطین موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند. به گفته خالد مشعل، رئیس دفتر جنبش مقاومت

اسلامی فلسطین (حماس)، در روسیه این برداشت وجود دارد که محاصره و تحریم غزه باید لغو شود (Bsaikri, 2010). در سفر او به مسکو پاسخ او به این سؤال که اگر مبادله اسیران به همان‌گونه که طرف اسرائیلی می‌خواهد، انجام شود، آیا محاصره غزه نیز لغو خواهد شد، این بود که اگر مبادله اسیران انجام شود، در آن صورت محاصره کمی ضعیف‌تر می‌شود، اما به طور کامل لغو نمی‌شود.

از سوی دیگر، این سؤال نیز مطرح شد که اگر نیروهای فلسطینی با یکدیگر آشتی کنند، آیا این موضوع هم سبب تضعیف محاصره می‌شود. در واقع این سؤال‌ها نشان‌دهنده تلاش روسیه برای یافتن راهکاری برای از میان بردن محاصره و تحریم غزه بوده است.

نکته قابل توجه این است که پس از این سفر، مبادله اسیران، با گیلاد شیلان نظامی اسرائیلی انجام و توافق صلح حماس و فتح نیز امضاء شد و سران دو گروه فلسطینی حماس و فتح به‌طور رسمی از تلاش‌های روسیه در راستای آشتی ملی فلسطین تشکر کردند (Trend News, 2011). به گزارش

برداشته و با هر دو سازمان بزرگ فلسطینی فتح و حماس و حتی حزب‌الله لبنان روابط نزدیکی ایجاد کرده است. روابط روسیه با حماس از آن جهت مهم است که از یکسو در امریکا و اروپا، این سازمان در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دارد و از سوی دیگر روابط مسکو با این گروه فلسطینی تناقض‌های سیاسی بسیاری برای هر دو در بردارد. حماس همواره از جنبش‌های اسلام‌گرا در سراسر جهان حمایت کرده است که شامل چین‌ها در شمال قفقاز هم می‌شود، کرملین نیز پیوسته پس از جنگ دوم چین نسبت به یک توطئه جدی اسلامی برای ایجاد یک خلافت اسلامی هشدار داده است. رخدادهای تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱، برای روسیه فرصتی ایجاد کرد تا اقدام نظامی خود در چین را برای کشورهای اسلامی آسان‌تر توجیه کند.

با توجه به معیارهای: ۱. تفاوت سطح قدرت روسیه و سازمان حماس، ۲. تفاوت رویکرد سیاسی دو طرف نسبت به مسلمانان روسیه، ۳. جبهه‌گیری گسترده قدرت‌های بین‌المللی به پیروی از امریکا بر علیه حماس، ۴. رویکرد سیاست خارجی و بین‌المللی روسیه نسبت به یکجانبه‌گرایی امریکا، اهداف روسیه از ایجاد روابط با حماس تا حد زیادی

منابع خبری روسیه در واکنش به توافق حماس و فتح، میخاییل مارگلو، نماینده کمیته شورای فدراسیون در امور بین‌الملل هم اظهار امیدواری کرد محمود عباس بتواند موضع حماس را در مورد اسرائیل نرم‌تر کند (صدای روسیه، ۲۰۱۲). دلیل موفقیت روسیه در جلب اعتماد حماس را در این نکته باید جست که بنا بر سخنان دبیرکل حماس، درخواست سازمان این است که به عنوان یک نیروی سیاسی شناخته شود. موفقیت روسیه در جلب نظر حماس این است که "دولت روسیه هیچ‌گونه شرایطی را برای ما تعیین نمی‌کند، تعامل ما گسترش می‌یابد و این مسئله بسیار قابل ستایش است". در همین زمینه اگر روس‌ها موفق به تغییر دیدگاه حماس شوند، به موفقیت بزرگی در ارتقاء جایگاه خود دست خواهند یافت. اکنون هم برخی ادامه روابط روسیه و حماس و نیز افزایش روابط روسیه و اسرائیل در سال‌های اخیر را به نوعی اعطای مشروعیت تل‌آویو به روابط مسکو و حماس (Epstein, 2007, p.185) و از سوی دیگر تعدیل دیدگاه حماس نسبت به اسرائیل ارزیابی می‌کنند.

فرجام

دولت پوتین در تلاشی آشکار برای افزایش مناسبات با کشورهای خاورمیانه گام

تحقق یافته است. بخش مهمی از نقش و جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل به سیاست مسکو در خاورمیانه مربوط می‌شود که یکی از آنها نقشی است که روسیه در مسئله صلح خاورمیانه و در رابطه با طرف‌های فلسطینی و اسرائیلی ایفا کرده است. هر چند این سیاست‌ها به دلیل برخورداری از امتیاز منابع انرژی هم هست. ابتکار عمل مسکو در ایجاد و گسترش رابطه با حماس پس از سال ۲۰۰۵ شکل گرفت که روسیه خود را به عنوان دومین صادرکننده انرژی جهان معرفی کرد و ذخایر ارزی خود را به شدت افزایش داد. در هر صورت این موضوع ناشی از تمایل روسیه برای برهم زدن نظم یکجانبه امریکایی است. نظام بین‌الملل مطلوب روسیه، چندقطبی است و روسیه چندجانبه‌گرایی را مورد توجه قرار داد و تأمین این هدف را، مشارکت مؤثر در ساختار نظام بین‌الملل و ایجاد توازن بین امریکا و جریان‌های ضد امریکایی یافت. سیاست خارجی روسیه در دو دهه پس از فروپاشی با تضادها و تناقض‌های بسیار همراه بوده است. از یک سو داعیه قدرت بزرگ بودن سبب حمایت از تفکرهای ضد غربی بوده است. از سوی دیگر نگرانی از انزوا، نیاز به تکنولوژی و سرمایه غربی منجر

به شکل‌گیری رویکرد همکاری روسیه نسبت به امریکا و غرب است.

در اواخر دوره اول ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۷، وزارت امور خارجه روسیه با رد تعلیق روابط مسکو و حماس بر وجود روابط منظم بین دو طرف تأکید کرد. با شدت یافتن اقدام‌های تروریستی در روسیه، مقام‌های اسرائیلی کوشیدند چپن‌ها را مانند فلسطینی‌ها معرفی کنند و زمینه را برای اقدام‌های مشترک دو کشور فراهم سازند. به این ترتیب دیدار رهبران حماس از مسکو، با اینکه با اعتراض شدیدی از سوی مقام‌های اسرائیلی رو به رو شد، ولی نمی‌توانست زمینه‌های مختلف موجد همکاری روسیه و اسرائیل را از میان ببرد. هر چند روسیه همواره کوشیده همکاری هسته‌ای با ایران را در چارچوب مسایل فنی و اقتصادی تحلیل کند، ولی برای رهبران اسرائیل ماهیت آن در اصل سیاسی برآورد شده است. در حالی که ایالات متحده و اتحادیه اروپا پس از سال‌ها در حل مسئله فلسطین ناامید شده‌اند، به نظر می‌رسد انگیزه روسیه افزایش یافته است. در حالی که به گفته رهبران حماس، این سازمان از روسیه درخواست خروج از مذاکرات چهارجانبه را داشته، اما روس‌ها با حفظ جایگاه خود در گروه چهارجانبه در

غرب نیاز دارد. هرچند این کشور ابزار مهمی به نام انرژی در اختیار دارد که می‌تواند با کمک آن به‌ویژه اروپایی‌ها را زیر فشار بگذارد، اما توان اقتصادی روسیه به گونه‌ای نیست که بخواهد به رویارویی کامل در عرصه بین‌المللی بپردازد. روسیه در پی تکرار تجربه‌های ناکارآمد دوران اتحاد شوروی نیست، هرچند که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی رقابت را غیرقابل چشم‌پوشی ساخته است.

پانوشتها

* این مقاله بخشی از یک طرح پژوهشی است که در دانشگاه تهران با استفاده از اعتبار علمی (گرننت) نویسنده و با همکاری سازنده خانم عقیقه عابدی (دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل) نوشته شده است.

۱. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به (کولایی و نوری، ۱۳۸۹، صص ۳۷-۲۳).
۲. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به (کولایی و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۹۹-۸۰).
۳. مفهومی که اولین بار توسط جرج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور سابق آمریکا برای طرحی با هدف مردم‌سالارسازی خاورمیانه عنوان شد، سپس این برنامه آمریکا با برجسته شدن موضوع امنیت این برنامه به حاشیه رانده شد.
۴. موج اول را آمریکا با حمله نظامی به افغانستان و عراق ایجاد کرد، با این ادعا که با واژگون کردن

مسئله آشتی ملی فلسطین و کاهش خشونت‌ها در فلسطین موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند. در نتیجه چنانچه از روند روابط روسیه و حماس آشکار می‌شود، حمایت روسیه از حماس تا زمانی است که به تشدید تعارض میان روسیه از یکسو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر نشود. اگر روس‌ها موفق به تغییر دیدگاه حماس شوند، به موفقیت بزرگی در ارتقاء جایگاه خود دست خواهند یافت. اکنون هم برخی ادامه روابط روسیه و حماس و نیز افزایش روابط روسیه و اسرائیل در سال‌های اخیر را، به نوعی اعطای مشروعیت تل‌آویو به روابط مسکو و حماس و از سوی دیگر تعدیل دیدگاه حماس نسبت به اسرائیل ارزیابی می‌کنند.

در واقع روسیه کوشیده است با همه کشورهای خاورمیانه و پیرامون آن که در برخی تعریف‌ها "خاورمیانه بزرگ" نامیده شده است، روابط خود را در زمینه‌های مختلف گسترش بدهد. روسیه جایگاه بسیار مهمی در معادلات استراتژیک جهانی، به ویژه از نظر نظامی دارد، اما چه از نظر تکنولوژی و چه از نظر توان پشتیبانی مالی نمی‌تواند با آمریکا رقابت کند. با این حال، روسیه یک قدرت درجه دوم اقتصادی است که به‌شدت به سرمایه و تکنولوژی پیشرفته

۱۰. کولایی، الهه، (۱۳۸۳)، *علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل*، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،
۱۱. هانتز، شیرین، (۱۳۹۱)، *اسلام در روسیه، سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ترجمه الهه کولایی و محمدکاظم شجاعی، تهران: نشر نی

منابع لاتین

12. Bourtman, Ilya, (June 2006), "Putin and Russia's Middle Eastern Policy", *MERIA*, Vol. 10, No. 2, <http://meria.idc.ac.il/journal/2006/issue2/jv10no2a1.html>, (accessed on 23 June 2012)
13. Breman, Ilan, (June 2001), "Russia and the Middle East Vacuum", *IASPS Research Papers in Strategy*, No. 12, <http://www.iasps.org>,
14. Bsaikri, Senussi, (15 February 2010), "Russia's Relations with Hamas: a Win-Win Situation", *The Middle East Monitor*, Flowed by: www.middleeastmonitor.org.uk/articles/37-middle-east/672-russias-relations-with-hamas-a-win-win-situation-
15. Epstein, Alek D., (October – December 2007), "Russia and Israel: A Romance Aborted?", *Russian Global Affairs*, Vol. 5, No. 4
16. Eran, Oded, Magen, Zvi, and Stein, Shimon, (Spring 2012), "The Superpowers and the Middle East: Erenler, Muharrem", "Russia's

نظام‌های دیکتاتوری، نظام‌های مردم‌سالار برپا می‌شود.

۵. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به (کولایی، ۱۳۹۱).

منابع فارسی

۱. ایوان یاکوینا، (۹ بهمن ۱۳۸۹)، «روسیه و دولت مستقل فلسطینی»، *ایراس*
۲. "تعامل روسیه با حماس در گفتگو با خالد مشعل"، *ایراس*، ۲۸ بهمن ۱۳۸۸ (دسترسی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱) <http://www.iras.ir/fa/pages/?cid=9229>
۳. دهقانی، محمود (بهار ۱۳۸۵)، چشم‌انداز صلح خاورمیانه و تحولات اخیر در فلسطین، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۳۹.
۴. شوری، محمود (تابستان ۱۳۸۷)، ساختار گفتمانی در روابط ایران و روسیه، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۷.
۵. طباطبایی، سید علی (پاییز ۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی رویکردهای راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۰.
۶. *صدای روسیه*، 2012.02.7
۷. کولایی، الهه، (۱۳۹۱)، *افسانه انقلاب‌های رنگی*، چاپ دوم، تهران: میزان
۸. کولایی، الهه و علیرضا نوری، (تابستان ۱۳۸۹)، "عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه"، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۲
۹. کولایی، الهه، جعفر خاشع و حبیب رضا زاده (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، "بررسی روابط روسیه و آمریکا در پرتو سیاست «از سرگیری» اوباما"، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال چهارم، شماره ۹.

25. " Khaled Meshaal told Sergei Lavrov, He wanted to build ties with Russia", *BBC*, 30 Aug 2010
26. McGregor, Andrew, (23 Feb. 2006), "Distant Relations: Hamas and the Mujahideen of Chechnya", *North Caucasus Analysis*, Volume: 7 Issue: 8
27. Press Release Alexander Saltanov, Special Representative of the President of the Russian Federation for the Middle East and Deputy Minister of Foreign Affairs, Meets with Head of the Hamas Political Bureau Khaled Meshaal, *Official Site of The Ministry Foreign Affairs of The Russian Federation*, January 7, 2009, Available online at 2012-05-04 Flowed by: http://www.mid.ru/bdomp/brp_4.nsf/e78a48070f128a7b43256999005bcbb3/bc95543bd54c11c4c325753f0021c0ad!OpenDocument
28. "Putin lays out Russian position on Hamas", *EJpress*, 1 Feb. 2006, Available online at 2012-05-04 Flowed, By: www.ejpress.org/article/news/eu-israel_affairs/5578
29. Radivilova, Anna, "Neo-Classical Realism and Russia-China Relations: Explaining Russia's Post-Soviet Foreign Policy" , *SFSUIR 747* / Fall 2003 , Available online 2012-05-13 , Flowed By: <http://bss.sfsu.edu/tsygankov/RusFSU/747sampleRadivilova.htm>
- Arab Spring Policy", *Bilge Strateji* , Vol. 4, No. 6
17. "Fatah, Hamas Praise Russia's Role in Reconciliation, Statehood Bid", *Trend News*, May 24,
18. Freedman, Robert O., (2007), "The Russian Resurgence in the Middle East", *The China and Eurasia Forum Quarterly*, Vol. 5, No. 3
19. "Hamas Political Leader Meets With Russian Mufti Council", *The Global Muslim Brotherhood Daily Report*, February 11, 2010, Available online at 2012-05-09, Flowed By: <http://globalmreport.org/?p=2167>
20. Hunter, Shireen, (2004), *Islam in Russia, the Politics of Identity and Security*, USA: Sharpe
21. *Interfax News Agency*, Moscow, in Russian, 18 Feb. 2006 *BBC Monitoring*
22. Katz, Mark N., (24 September 2010), "Russia's Policy toward the Middle East", *Russian Analytical Digest* No. 83
23. Katz, Mark N., (April 2010), "Russia's Greater Middle East Policy: Securing Economic Interests, Courting Islam", *Russia/NIS Center*
24. Kemp, Geoffrey and Paul Saunders, (November 2003), *America, Russia, and the Greater Middle East, Challenges and Opportunities*, Washington, DC, the Nixon Center

37. Transcript of Remarks by Russian Minister of Foreign Affairs Sergey Lavrov Following Meeting with Hamas Delegation, Moscow, *Official Site of The Ministry Foreign Affairs of The Russian Federation*, March 3, 2006, Available online at 2012-05-04 , Flowed By: http://www.mid.ru/brp_4.nsf/e78a48070f128a7b43256999005bcbb3/4ee3c4a8b30c84f4c3257129002549f5?OpenDocument
38. Trenin, Dmitry, Russia's Policy in the Middle East: Prospects for Consensus and Conflict with the United States, *A Century Foundation Report*, USA, 2010 http://carnegieendowment.org/files/trenin_middle_east.pdf (Accessed on 23 June 2012).
39. *The Final Results for Electoral Lists*, August 19, 2010 Flowed by www.elections.ps/pdf/Final_Results_PLC_Summary_Lists_Seats_2_En.pdf.
40. Tsygankov, Andrei, (2001), "The Final Triumph of Pax Americana? Western Intervention in Yugoslavia and Russia's Debate on the Post-Cold War Order," *Communist and Post-Communist Studies* 34
41. "Une bouffée d'oxygène pour les Palestiniens", *RFI*, May 10, 2006
42. Waltz, K., Theory of International Politics, *London: McGraw-Hill*, (1979)
43. Walking a Fine Line, *Strategic Survey for Israel 2011*, Institute for National Security Studies (INSS), Tel Aviv, Israel, 2011
30. *Realist Theories*, www.pearsonhighered.com, 13 Jan 2011, P54, Available online at 2012-05-13 Flowed by: www.pearsonhighered.com/assets/hip/us/hip_us_pearsonhighered/samplechapter/0205059589.pdf
31. Rivlin, Paul, (November 2005), "The Russian Economy and Arms Exports to the Middle East" , *The Jaffee Center for Strategic Studies (JCSS)* , Memorandum No. 79
32. "Russia Urges Dialogue with Hamas", *Al Jazeera*, 24 May 2009, flowed by: <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2009/05/2009524171938507992.html>
33. *Russian Analytical Digest*, No. 83, 24 September 2010
34. Smith, Mark A., *Russia and the Middle East*, Conflict Studies Research Center, September 2002,
35. Smith, Mark A., (June 2006), *The Russia – Hamas Dialogue, And the Israeli Parliamentary Elections*, Conflict Studies Research Centre.
36. Transcript of Remarks and Response to Media Questions by Russian Minister of Foreign Affairs Sergey Lavrov at Joint Press Conference Following Talks with Palestinian National Authority Minister of Foreign Affairs Riad Malki, Moscow, *Official Site of The Ministry Foreign Affairs of The Russian Federation*, 9 Dec 2009, Available online at 2012-05-04 Flowed by : http://www.mid.ru/brp_4.nsf/0/BC9EC34FA2702D65C325768800407AE3